

بازخوانی رباعیات خیام در چارچوب پُست‌مدرنیسم لیوتار

عیسی چراتی^۱، احمدرضا یلمه‌ها^۲

چکیده

در دیدگاه لیوتار، پست‌مدرنیسم یک وضعیت است نه یک دوره و بیشتر در حوزه اندیشه جای دارد تا عملکرد، لذا امکان نظری تسری این اندیشه از اجزای مفهومی آن به هر دوره‌ای مدّ نظر این مقاله است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی همهٔ رباعیات خیام، در چارچوب مفهومی پست‌مدرنیسم لیوتار، با معیار پنج ویژگی طرد فراروایت، حقیقت‌متکثر، بی‌معنایی معنا، طرد هرگونه پیش‌فرض و شک‌اندیشی انجام شد. با بررسی رباعیات خیام مشخص شد که اندیشه خیام به میزان قابل توجهی (۴۰ درصد رباعیات) هم‌راستا با تفکر پست‌مدرنیستی لیوتار است و در این میان ویژگی‌های طرد فراروایت و شک‌اندیشی بیشترین سهم را دارند. این نکته از آن روی حائز اهمیت بوده است که با توجه به فاصلهٔ زمانی حدود نهصد سال از زمان زیست این دو متفکر، به میزان قابل توجهی دو اندیشه هم‌راستا بوده‌اند و لذا تاییدکننده بی‌زمانی و لامکانی اندیشه است.

کلیدواژه‌ها: پست‌مدرنیسم، فراروایت، لیوتار، رباعیات خیام.

۱. عضو هیأت علمی مدعو واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و استعدادهای درخشان، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

هرچند «تردیدی نیست که پست‌مدرن (Postmodern) جزئی از مدرن محسوب می‌شود» (لیوتار، ۱۳۸۴: ۳۰) اما به نظر می‌رسد که آن بخش از وضعیت پست‌مدرن که به حیطة تفکر و فرهنگ بشر - نه جلوه‌های تجسم‌یافته در بخش مادی تمدن - می‌پردازد، قابل تسری به دوره‌های پیش از خود نیز باشد چه ریشه‌های نظری آن قابل بازخوانی در آثار اندیشمندان سده‌های پیشین است.

رویکردهای مختلفی در آرای اندیشمندان معاصر - بخصوص فلاسفه و جامعه‌شناسان - نسبت به دوره مدرن و پست‌مدرن قابل بررسی است و از آنجا که جامعه بسان منشوری است که بسته به جهت دید مخاطبان، تصویری از خود را بازمی‌نماید، در عین حال که جایی برای طرد سایر نظریات مطرح نیست، نظریه‌ای را کاربردی‌تر و رساتر می‌نماید. از این رو در بررسی تلفیقی و تحلیلی نیز باید چارچوبی را جست که بهین کارکرد را در پژوهش داشته باشد.

این مقاله که به بررسی رباعیات خیام در چارچوب اندیشه لیوتار نسبت به وضعیت پست‌مدرن می‌پردازد، این دیدگاه را به دو دلیل مناسب دیده است. اول این‌که: «اصطلاح پست‌مدرن به‌ویژه پس از انتشار کتاب ژان فرانسوا لیوتار (Jean francaislyotard) به نام وضعیت پست‌مدرن کاربرد عمومی یافت» (لایون، ۱۳۸۳: ۲۹) و دوم این‌که از نظر لیوتار «یکی از معرفه‌های وضعیت پست‌مدرن، نزول قدرت مشروعیت بخشی روایت‌های کلان است» (سیدمن، ۱۳۹۲: ۲۲۶).

از سوی دیگر به نظر می‌رسد رباعیات خیام جوهره اساسی مطرح در پست‌مدرنیسم لیوتار را در خود دارد که همانا «بدبینی و شک‌اندیشی در برابر هرگونه تلاش ممکن برای تفسیر» (لیوتار، ۱۳۸۷: ۲۱) و نیز «دست کشیدن از شالوده‌گرایی» (لایون، ۱۳۸۳: ۲۱) و «تردید در برابر هرگونه فراروایتی که مدعی تضمین حقیقت است» (کرایب، ۱۳۸۶: ۲۳۸) می‌باشد.

هم‌چنین قابل توجه است که با بررسی انجام‌شده هیچ پیشینه مشابهی در راستای این مقاله در مورد رباعیات خیام صورت نگرفته است.

بحث و بررسی

الف) پست‌مدرنیسم

اگر تاریخ تفکر انسانی را به سه دوره تقسیم کنیم، سومین دوره آن را می‌توان پست‌مدرن نامید که بعد از دوره‌های پیشامدرن و مدرن به وجود آمده است. «در سومین دوره که از پایان قرن نوزدهم تا به امروز را دربرمی‌گیرد، خلق واقعیت، جانشین کشف واقعیت می‌شود و در آن مشارکت انسانی در ساختن دانش، برجسته‌تر می‌گردد» (ابویسانی، ۱۳۹۱: ۲).

برداشت‌ها و قرائت‌های مختلفی از واژه پست‌مدرن و نیز کاربرد آن توسط متفکران پست‌مدرن ارائه شده است. بودریار، واتیمو و فوکویاما آن را پایان تاریخ می‌دانند (اصغری، ۱۳۸۱: ۱۷۳) مک‌هیل آن را منظره‌ای آشوب‌زده از جهان‌های متکثر می‌داند (نجومیان، ۱۳۸۵: ۲۳) با این حال لیوتار بیان می‌کند که «بی‌تردید پست‌مدرن بخشی از مدرن است» (لیوتار، ۱۳۸۱: ۱۹۵) او اشاره می‌کند که هنر مدرن در پی مرئی ساختن این نکته بود که چیزی وجود دارد که می‌توان آن را به تصویر کشید اما پست‌مدرن «جربانی است که در پی عرضه‌های جدید است، نه به‌منظور بهره بردن از آن‌ها بلکه به‌منظور بیان و رساندن مفهوم قدرتمندی از امر غیرقابل عرضه» (همان: ۱۹۸).

عصر مدرن، عصر هنر آوانگارد بود، «هنر در نقطه‌ی مقابل فرهنگ بورژوازی حاکم قرار می‌گیرد و اساساً نیرویی مبارز است که می‌خواهد نقش اجتماعی رهایی بخش را ایفا کند» (میلز و براویت، ۱۳۹۰: ۲۳۶) اما «پست‌مدرنیست‌ها استدلال می‌کنند چون حقیقتی وجود ندارد که مجزای از منافع ایدئولوژیکی انسان باشد بنابراین گسستگی دانش یک هنجار بوده و تکثرگرایی دائم فرهنگ نیز صرفاً یک حقیقت واقعی است که انسان‌ها باید پیوسته با آن روبرو شوند» (ترنر، ۱۳۸۱: ۱۱).

ب) لیوتار و اندیشه پست‌مدرن

ژان فرانسوا لیوتار (۱۹۲۴-۱۹۹۸) اندیشمند فرانسوی است. او پست‌مدرنیسم را از حالت صرفاً فلسفی خارج ساخت و به سوی پارادایمی علمی حرکت دارد و در واقع می‌توان او را بنیان‌گذار علوم اجتماعی پست‌مدرن نامید (محمدپور، ۱۳۸۱: ۵۱) لیوتار بر

این باور است که «در جوامع معاصر اسطوره‌ها اعتبار و کاربرد خود را از دست داده‌اند، به نحوی که علم نیز مشروعیت خود را از دست داده و این از نظر لیوتار طلیعه بروز فرهنگ پست‌مدرن است» (قمی، ۱۳۸۴: ۶۹).

از نظر لیوتار «انسان، خودمختار و عاقل با ماهیت واحد و ثابت نیست، بلکه بازیگری است که بر اساس نقش‌هایی که در بازی‌های زبانی متکثر به عهده می‌گیرد، هویت‌های متکثر می‌یابد» (فانی، ۱۳۸۳: ۷۱). در سطح کلان نیز به «هرگونه فراروایتی که مدعی تضمین حقیقت باشد، خواه در حوزه علم، منطق ... یا هر حوزه دیگری تردید دارد. هرگونه روایت زیباشناسانه‌ای که معیارهای زیبایی را به دست دهد و هرگونه روایت اخلاقی که معیارهای خوبی را به دست دهد نیز مشمول همین حکم است» (کرایب، ۱۳۸۶: ۲۳۸).

با بررسی اثر مهم لیوتار با نام «وضعیت پست‌مدرن» که به نوعی منشور پست‌مدرنیسم او محسوب می‌شود، اصول زیر قابل استنتاج است:

ب-۱) طرد فراروایت

لیوتار صریحاً اعلام می‌کند که «پست‌مدرن را به منزله بی اعتقادی و عدم ایمان به فراروایت‌ها توصیف می‌کنم» (لیوتار، ۱۳۸۷: ۵۴).

لیوتار، روایت (Narrative) را فیلترهای زمانی می‌داند که «نقش آن‌ها تبدیل بار عاطفی یک واقعه به توالی واحدهای اطلاعاتی است که توانایی پدیدآوردن چیزی مانند معنا را داشته باشد» (نجومیان، ۱۳۸۵: ۲۰). این نوع روایت متعلق به دوران پیشامدرن (سنتی) است. «روایت‌ها داستانی را بازگو می‌کردند، آن‌ها حول یک طرح، یک رشته خطی از رویدادها، یک آغاز و پایان و حکایتی از خیر و شری که قصد داشتند رفتار اجتماعی را شکل دهند، سازمان یافته بودند» (سیدمن، ۱۳۹۲: ۲۲۵) در عین حال زمانی «روایت‌هایی در تاریخ تبدیل به الگوهای مسلط تفسیر وقایع گشتند، یعنی یک واقعه خود کلید فهم وقایع دیگر می‌شود که به آن ابرروایت (Grand Narrative) می‌گوییم» (نجومیان، ۱۳۸۵: ۲۰) اما خود مدرنیته به واسطه آن‌که منطقی است که از بیرون بر روایت‌ها تحمیل می‌شود، نوعی فراروایت (Meta Narrative) است و خود را مهم‌ترین ابزار سنجش کذب و صدق روایت‌ها می‌داند. در فراروایت نوعی تلفیق میان روایت‌ها مطرح می‌شود که انسجام و معنا

به متن زندگی اجتماعی می‌دهد.

لیوتار ضمن رد فراروایت‌ها، «معرفت را سازه‌ای اجتماعی و محصول عبارت‌های زبانی و ادعای کشف حقیقت را دستاویزی متافیزیکی برای مشروعیت بخشیدن به سلطه مدعیان می‌داند» (فانی، ۱۳۸۳: ۶۸) راهی که لیوتار در مقابل روایت‌های سنتی و فراروایت‌های مدرنیته می‌نمایاند این است که «مرتد» باشیم. ارتداد در همه جنبه‌های هنر، علم و زندگی روزمره (لش، ۱۳۸۳: ۱۴۷) او به «توصیف و دفاع از وضعیت پست‌مدرنی می‌پردازد که مشخصه‌های آن رشد سریع گفتمان‌های متعدد و متعارض است» (سیدمن، ۱۳۹۲: ۲۲۸).

او معتقد است آنچه در جدل زبانی که به مثابه نوعی مبارزه است، جایز نیست، «چیزی است که ترور می‌نامدش. یعنی محو یکی از کسانی که در بازی شرکت می‌کنند یا بیشتر از آن‌ها» (لش، ۱۳۸۳: ۱۴۲) در واقع ابرروایت‌ها و فراروایت‌ها اراده‌ای برای فهم و تأویل انسان باقی نمی‌گذارند. «او چاره را در این می‌بیند که ما در تفکر فردی و اجتماعی خود این روایت‌ها را فراموش کنیم» (نجومیان، ۱۳۸۵: ۲۱).

ب-۲) حقیقت متکثر

لیوتار آغاز پست‌مدرن را درجه صفر فرهنگ عمومی می‌داند که «در حقیقت نوعی دستچین داده‌های مورد پسند فرهنگ‌های گوناگون است» (لیوتار، ۱۳۸۴: ۲۳) اختلاف نظر اهمیتی بیشتر از توافق می‌یابد «چون ادعای ناهمگنی دانش جایی که چندصدایی امتیاز محسوب می‌شود، اساس واقعی دانش است» (ترنر، ۱۳۸۱: ۱۳) در این معنی است که ترور و حذف در جدل زبانی و مرتد بودن به‌عنوان شرط لازم در ورود به جدل زبانی در مفهوم مد نظر لیوتار اهمیت خود را به‌خوبی نشان می‌دهد.

ب-۳) بی‌معنایی معنا

لیوتار می‌نویسد که «کار ما تولید و ارائه واقعیت نیست، بلکه خلق نکاتی است که به چیزهای قابل ادراک اما نامودنی اشاره دارد» (لیوتار، ۱۳۸۴: ۳۶) در واقع وقتی قطعیتی قابل تصور نباشد، این بازی‌های زبانی هستند که حدود واقعیت را مشخص می‌سازند. «لیوتار نقش اندیشه پست‌مدرن را اصولاً نشان دادن فقدان معنا در متن اثر می‌داند و

وظیفه نویسنده را جستجو در زبان ذکر می‌کند» (بویسانی، ۱۳۹۱: ۳). «به عقیده لیوتار دیگر هیچ شالوده روش‌شناسانه مطمئنی وجود ندارد، قطعیت‌های علمی از پای‌بست ویران‌اند. در واقع دانش به معنای مورد نظر مدرن‌ها منحل شده است، ساده‌تر بگوییم شرح جهان دیگر ممکن نیست» (لایون، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

ب-۴) طرد هرگونه پیش‌فرض

لیوتار تأکید می‌کند که «پست‌مدرن به شکل‌های از پیش تعیین شده مدرن که باعث تسکین خواننده یا بیننده می‌شود، پشت می‌کند» (لیوتار، ۱۳۸۴: ۳۵) در واقع او اشاره می‌کند که واژه مدرن از منظر او «دلالیت بر هر علمی که خود را با اشاره و ارجاع به یک فراگفتمان، مشروع جلوه دهد و به خود مشروعیت ببخشد، اشاره دارد» (قره‌باغی، ۱۳۸۰: ۹۶) پیش‌فرض‌ها در قالب روایت‌های اسطوره‌ای و دینی به کرات وجود داشته‌اند. قهرمانان و شخصیت‌های پیشامدرن هرگز بحث‌برانگیز و مورد سؤال نبوده‌اند و راویان بدون چانه‌زنی روایت را به مخاطبان ارائه می‌کردند.

لیوتار اشاره می‌کند که «هر هنرمند یا نویسنده پست‌مدرن در مقام یک فیلسوف است: متنی که می‌نویسد، اثری که خلق می‌کند از نظر اصول، تحت هدایت قواعد از پیش ثبت شده قرار ندارند و نمی‌توان در مورد آن‌ها مطابق با حکم ایجابی با به کار بستن مقولات آشنا در متن یا اثر هنری قضاوت نمود... بنابراین هنرمند و نویسنده بدون قواعد برای تدوین قواعدی برای آنچه که انجام خواهد یافت، کار می‌کند» (لیوتار، ۱۳۸۷: ۱۹۸).

ب-۵) شک‌اندیشی

«جوهره پست‌مدرنیسم نوعی بدبینی و شک‌اندیشی است در برابر هرگونه تلاش برای تفسیر» (لیوتار، ۱۳۸۷: ۲۱- مقدمه مترجم) جستجو برای یافتن شکل‌های جدید بدان‌گونه که لیوتار آن را پست‌مدرن برمی‌شمارد چاره‌ای جز تردید در برابر آنچه وجود دارد، باقی نمی‌گذارد. به عبارت دیگر تردید در برابر روایت‌ها و فراروایت‌ها سرآغاز اندیشیدن در وضعیت پست‌مدرن به شمار می‌رود. «به نظر لیوتار، پست‌مدرنیسم به وسیله اشاعه حس شک و تردید مرتبط با هر روایت فراگیری تعریف می‌شود. به عبارتی، شک در مورد

روایت‌های فراگیر و طرد آن‌ها و جایگزینی روایت‌های کوچک و محلی با تکیه بر شکل روایتی، علم پست‌مدرنیسم به شمار می‌آید» (ترنر، ۱۳۸۱: ۱۳).

پ) عمر خیام و رباعیات

از تاریخ دقیق زندگی عمر خیام اطلاع دقیقی در دست نیست اما گمان می‌رود که متولد نیمه اول سده پنجم هجری است که تا اوایل سده ششم می‌زیسته است (فروغی و غنی، ۱۳۶۲: ۲). از او نه با نام شاعر بلکه در تاریخ فلسفه و علوم به‌عنوان مردی که از تفکرات فلسفی و علمی والایی برخوردار بوده است، یاد شده است (جعفری، ۱۳۷۲: ۵۸). رباعیات خیام به ده‌ها زبان و صدها بار منتشر شده‌است (دشتی، ۱۳۷۷: ۱۷) با این حال هیچ‌گونه توافقی در تعداد این رباعیات به چشم نمی‌خورد، گرچه در این مقاله یکصد و هفتاد و هفت رباعی طبق نسخه تصحیح‌شده فروغی و غنی ملاک بوده است. البته خود این مصححان نیز اقرار داشته‌اند که نمی‌توان به طور قطع و یقین اعلام کرد که این گزینش جامع و مانع است (فروغی و غنی، ۱۳۶۲: ۶۸).

ت) روش تحقیق

به خاطر سیلان اندیشه و نیز کوتاهی رباعی به لحاظ ظاهری (دو بیت)، کل یک رباعی به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده است و مضامین آن به لحاظ داشتن یک یا هر پنج ویژگی پست‌مدرنیسم گونه لیوتاری مورد ارزیابی و شمارش قرار گرفته است. این پنج ویژگی عبارت بودند از: ۱. طرد فراروایت، ۲. حقیقت متکثر، ۳. طرد هرگونه پیش‌فرض، ۴. بی‌معنایی معنا، ۵. شک‌اندیشی.

نمونه مورد بررسی در این مقاله به جهت قلت اشعار - یکصد و هفتاد و هفت رباعی - کل رباعیات خیام در نظر گرفته شده است.

از آنجا که گاهی بیش از یک ویژگی در یک رباعی آمده است، دفعات تکرار ویژگی‌های مورد بررسی، بیش از تعداد رباعیات مورد بررسی شده است.

این مقاله در پی پاسخ به این دو پرسش است:

۱. در قالب تعریف لیوتار از پست‌مدرن، وجه تشابه اندیشه خیام در رباعیات با تفکر

پست‌مدرنیستی لیوتار چیست؟

۲. بسامد این نوع تفکر در رباعیات خیام به چه میزان است؟

ث) بازخوانی رباعیات خیام در چارچوب اندیشه لیوتار

معیار بررسی رباعیات در چارچوب اندیشه پست‌مدرنیستی لیوتار مبتنی بر اصولی است که از پست‌مدرنیسم لیوتار منتج شده است. از میان یکصد و هفتاد و هفت رباعی مورد بررسی، هفتاد و دو رباعی ویژگی‌های پست‌مدرنیسم لیوتار را در خود داشتند. در این میان چهل و سه رباعی تنها اشاره به یک ویژگی و بیست و نه رباعی به بیش از یک ویژگی استنتاجی اشاره می‌نمایند. از آنجا که شمارش رباعیات بر حسب ویژگی‌ها بوده، مجموع دفعاتی که به مفاهیم مورد نظر اشاره شده یکصد و سه بار و بیشتر از تعداد رباعیات دارای ویژگی است.

در این ارزیابی تجزیه پست‌مدرنیسم به پنج ویژگی تنها به صورت انتزاعی است، لذا آمیختگی معنایی امری طبیعی شمرده شده و کمی کردن مفاهیم تنها جنبه تحلیلی دارد.

ث-۱) طرد فراروایت

منظور از طرد فراروایت آن فراروایت‌هایی است که کارکرد مشروعیت‌بخشی دارند. در اندیشه خیام هرگونه ابرروایت و فراروایت مردود شمرده شده است. او راوی را چه فرد باشد و یا یک جریان، رد می‌کند و همه آن‌ها را افسانه و غیرواقعی می‌داند.

کس مشکل اسرار اجل را نگشاد
کس یک قدم از نهاد بیرون نهاد
من می‌نگرم ز مبتدی تا استاد
عجز است به دست هرکه از مادر زاد
(خیام، ۱۳۶۲: ۱۲: ۹۱)

در پرده اسرار کسی را ره نیست
زین تعبیه جان هیچ‌کسی آگه نیست
جز در دل خاک هیچ منزلگه نیست
می‌خور که چنین فسانه‌ها کوتاه نیست
(همان، ۳۲: ۱۷۹)

آنان که محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند به در
گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند
(همان، ۵۴: ۱۴)

در بیست‌و‌پنج رباعی به مفهوم طرد فراروایت اشاره شده است که در این میان هفت رباعی اختصاصاً به مفهوم این ویژگی اشاره داشته و هجده رباعی ویژگی‌های دیگر مدّ نظر مقاله را نیز در خود دارد. به عبارت دیگر ۱۴/۱۲ درصد از کل فضای رباعیات خیام و ۳۴/۷۲ درصد از هفتادودو رباعی دارای ویژگی پست‌مدرنیستی اشاره به این مفهوم دارد که در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: بسامد مفهوم طرد فراروایت در رباعیات خیام

بسامد مفهوم طرد فراروایت در رباعیات خیام			
عنوان	تعداد رباعی	درصد از رباعیات مشمول موضوع (۷۲ رباعی)	درصد از کل رباعیات (۱۷۷ رباعی)
اختصاصاً همین ویژگی	۷	۹٫۷۲٪	۳٫۹۵٪
به همراه ویژگی‌های دیگر	۱۸	۲۵٪	۱۰٫۱۶٪
جمع	۲۵	۳۴٫۷۲٪	۱۴٫۱۲٪

ث-۲) حقیقت متکثر

مرتد بودن یعنی بی‌اعتقادی به هرگونه فراروایت بخصوصی حائز اهمیت است؛ از آن جهت که فرد، راوی یک روایت مسلط نیست بلکه در جدل زبانی تنها راوی زاویه دید خویش است. اشاره به حقیقت متکثر جلوه‌ای دیگر از طرد ابرروایت و فراروایت‌ها است. خیام گفته است:

این بحر وجود آمده بیرون ز نهفت هر کس سخنی از سر سودا گفتند
 کس نیست که این گوهر تحقیق بسفت زان روی که هست کس نمی‌داند گفت
 (همان. ر ۱۴: ۱۷۴)

قومی متفکرند اندر ره دین می‌ترسم از آن‌که بانگ آید روزی
 قومی بگمان فتاده در راه یقین کای بی‌خبران راه نه آن است و نه این
 (همان. ر ۱۴۳: ۱۰۶)

در چهارده رباعی از رباعیات خیام مفهوم حقیقت متکثر مطرح شده است که در این میان پنج رباعی اختصاصاً این مفهوم را در خود جای داده و نه رباعی دیگر در ارائه این مفهوم با ارائه سایر ویژگی‌ها اشتراک دارند. به عبارت دیگر ۷/۹ درصد از کل فضای رباعیات خیام و ۱۹/۴۴ درصد از هفتادودو رباعی دارای ویژگی پست‌مدرنیستی اشاره به مفهوم حقیقت متکثر دارد که در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: بسامد مفهوم حقیقت متکثر در رباعیات خیام

بسامد مفهوم حقیقت متکثر در رباعیات خیام			
عنوان	تعداد رباعی	درصد از رباعیات مشمول موضوع (۷۲ رباعی)	درصد از کل رباعیات (۱۷۷ رباعی)
اختصاصاً همین ویژگی	۵	۶,۹۴٪	۲,۸۲٪
به همراه ویژگی‌های دیگر	۹	۱۲,۵٪	۵,۰۸٪
جمع	۱۴	۱۹,۴۴٪	۷,۹٪

ث-۳) بی‌معنایی معنا

بی‌معنایی در دنیای پست‌مدرن به خود معنا نیز سرایت می‌کند. در واقع تولید هرچیز حتی اندیشه و مفهوم نیز دچار دگرگونی شده و تحت تأثیر فرایند دائمی بازتولید قرار می‌گیرد. بی‌معنایی هرچند نوعی شک‌اندیشی و تردید را در ذات خود دارد، اما فراتر از آن است؛ زیرا هیچ‌گونه معیاری را به‌عنوان نتیجه نهایی نمی‌پذیرد؛ هم‌چنان‌که در بسیاری از آثار پست‌مدرن بی‌سرانجامی، تردید و بی‌معنایی را اشاعه می‌دهد. این وضعیت در رباعیات خیام نیز دیده می‌شود:

هرگز دل من ز علم محروم نشد کم‌ماند ز اسرار که معلوم نشد
هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز معلوم شد که هیچ معلوم نشد
(همان، ر ۹۳: ۹۴)

دریاب که از روح جدا خواهی رفت از پردهٔ اسرار فنا خواهی رفت
می‌نوش ندانی ز کجا آمده‌ای خوش باش ندانی به کجا خواهی رفت
(همان. ر ۳۶: ۱۰)

یازده رباعی از هجده رباعی اختصاص به این مفهوم داشته و هفت رباعی دیگر در ارائهٔ این مفهوم با ارائهٔ سایر ویژگی‌ها اشتراک دارند. به عبارت دیگر ۱۰/۱۶ درصد از کل فضای رباعیات خیام و ۲۵ درصد از هفتادودو رباعی دارای ویژگی پست‌مدرنیستی اشاره به مفهوم بی‌معنایی معنا دارد که در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: بسامد مفهوم بی‌معنایی معنا در رباعیات خیام

بسامد مفهوم طرد بی‌معنایی معنا در رباعیات خیام			
عنوان	تعداد رباعی	درصد از رباعیات مشمول موضوع (۷۲ رباعی)	درصد از کل رباعیات (۱۷۷ رباعی)
اختصاصا همین ویژگی	۱۱	۱۵,۲۷٪	۶,۲۱٪
به همراه ویژگی‌های دیگر	۷	۹,۷۲٪	۳,۹۵٪
جمع	۱۸	۲۵٪	۱۰,۱۶٪

ث-۴) طرد هرگونه پیش‌فرض

هرچند در روایت‌ها، پیش‌فرض‌هایی، قالب توافق میان راوی و مخاطب را تعیین می‌کنند و در ابرروایت‌ها قالب مسلط، تعیین‌کننده توافق است. در فراروایت ابزاری که معیار صدق و کذب یک داعیه است، منطقی است که ابزار مشروعیت و تسلط می‌شود. در اندیشهٔ خیام هرگونه پیش‌فرضی مردود است.

بر من قلم قضا چو بی‌من رانند پس نیک و بدش ز من چرا می‌دانند
دی بی‌من و امروز چو دی بی‌من و تو فردا به چه حجت‌م بداور خوانند
(همان. ر ۷۰: ۱۱)

نیک‌ی و بدی که در نهاد بشر است شادی و غمی که در نهاد بشر است
با چرخ مکن حواله کاندِر ره عقل چرخ از تو هزار بار بیچاره‌تر است
(همان. ر ۴۸: ۱۳)

این ویژگی مانند سایر ویژگی‌های پست‌مدرنیسم لیوتار، خط مرزی مشخصی با سایر ویژگی‌ها ندارد و به همین خاطر در بررسی رباعیات خیام نیز وجود چند ویژگی در یک رباعی امری طبیعی می‌نماید. در بیست‌ویک رباعی از رباعیات خیام این مفهوم مطرح شده است که در این میان هشت رباعی اختصاصاً این مفهوم را در خود جای داده و سیزده رباعی دیگر در ارائه این مفهوم با ارائه سایر ویژگی‌ها اشتراک دارند. به عبارت دیگر ۱۱/۸۶ درصد از کل فضای رباعیات خیام و ۲۹/۱۶ درصد از هفتاد و دو رباعی دارای ویژگی پست‌مدرنیستی اشاره به مفهوم طرد هرگونه پیش‌فرض دارد که در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۴: بسامد مفهوم طرد هرگونه پیش‌فرض در رباعیات خیام

بسامد مفهوم طرد هرگونه پیش‌فرض در رباعیات خیام			
عنوان	تعداد رباعی	درصد از رباعیات مشمول موضوع (۷۲ رباعی)	درصد از کل رباعیات (۱۷۷ رباعی)
اختصاصاً همین ویژگی	۸	۱۱,۱۱٪	۴,۵۱٪
به همراه ویژگی‌های دیگر	۱۳	۱۸,۰۵٪	۷,۳۴٪
جمع	۲۱	۲۹,۱۶٪	۱۱,۸۶٪

ث-۵) شک‌اندیشی

پیش از طرد هرگونه فراروایت باید شک کرد، شک زمانی بیشتر مطرح می‌شود که داعیه حقیقت‌متنوع و متکثر باشد و امکان طرد هرگونه پیش‌فرض فراهم گردیده و برای معنای امور قائل به نسبیت باشیم. چه شک‌اندیشی عامل مرتد بودن باشد و یا بالعکس، این رابطه مقوم بی‌باوری به فراروایت‌ها خواهد بود. یکی از پربسامدترین اندیشه‌ها در رباعیات همین مفهوم است.

تاکی غم آن خورم که دارم یا نه این عمر به خوشدلی گذارم یا نه
پرکن قدح باده که معلوم نیست کاین دم که فرو برم برآرم یا نه
(همان. ر ۱۵۵: ۱۰۹)

چون نیست ز هرچه هست جز باد به دست چون هست به هرچه هست نقصان و شکست
انگار که هر چه هست در عالم نیست پندار که هرچه نیست در عالم هست

(همان. ر ۲۹: ۷۸)

در بیست‌و‌پنج مورد از رباعیات خیام به این مضمون اشاره شده است که در این میان یازده مورد مختص این ویژگی و در چهارده مورد دیگر به همراه سایر ویژگی‌ها است که در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول شماره ۵: بسامد مفهوم شک اندیشیدر رباعیات خیام

بسامد مفهوم شک اندیشیدر رباعیات خیام			
عنوان	تعداد رباعی	درصد از رباعیات مشمول موضوع (۷۲ رباعی)	درصد از کل رباعیات (۱۷۷ رباعی)
اختصاصا همین ویژگی	۱۱	۱۵,۲۷٪	۶,۲۱٪
به همراه ویژگی‌های دیگر	۱۴	۱۹,۴۴٪	۷,۹٪
جمع	۲۵	۳۴,۷۲٪	۱۴,۱۲٪

در مجموع می‌توان همه موارد استنتاجی از جداول فوق را به شرح جدول شماره ۶ خلاصه کرد.

جدول شماره ۶: بسامد مضامین پست‌مدرن در رباعیات خیام

عنوان ویژگی	تعداد رباعیات مرتبط (با احتساب ویژگی مشترک)	درصد از رباعیات مرتبط (با احتساب ویژگی مشترک)	درصد از کل رباعیات (با احتساب ویژگی مشترک)
طرد فراروایت	۲۵	۲۴,۲۷٪	۱۴,۱۲٪
حقیقت متکثر	۱۴	۱۳,۵۹٪	۷,۹٪
بی‌معنایی معنا	۱۸	۱۷,۴۸٪	۱۰,۱۶٪
طرد هرگونه پیش‌فرض	۲۱	۲۰,۳۹٪	۱۱,۸۶٪
شک‌اندیشی	۲۵	۲۴,۲۷٪	۱۴,۱۲٪
جمع	۱۰۳	۱۰۰٪	۵۸,۱۶٪

طبق یافته‌های جدول فوق در یکصدوسه مورد^۱ با احتساب تکرار ویژگی‌های پست‌مدرنیسم در یک رباعی واحد، به ویژگی مشابه پست‌مدرنیسم لیوتار اشاره شده است که شامل بیش از ۵۸/۱۶ درصد از کل رباعیات (یکصدوهفتادوهفت رباعی) می‌شود. در جدول فوق معیار درصد از رباعیات مرتبط دفعات تکرار مضمون (یکصدوسه بار) لحاظ گردیده به جای درصد از رباعیات مشمول موضوع (هفتادودو رباعی) که در آن یکصدوسه بار مضامین آمده است تا درصد تعیین‌شده معنی‌دار باشد. در عین حال اگر معیار را تعداد رباعیات مشمول موضوع (هفتادودو رباعی) در نظر بگیریم، ۴۰/۶۷ درصد از رباعیات به حداقل یکی از ویژگی‌های پنج‌گانه پست‌مدرنیسم پرداخته‌اند.

یافته‌های جدول فوق به وضوح بیانگر زمینه‌های مشترک و مشابه میان تفکر خیام و اندیشه لیوتار بر مبنای پست‌مدرنیسم است.

نتیجه

پست‌مدرنیسم آن‌گونه که لیوتار مطرح می‌کند، یک وضعیت است. وضعیتی که در امتداد پست‌مدرنیسم است. ویژگی‌هایی که این پست‌مدرنیسم را از انواع دیگر خود جدا می‌کند، عبارتند از: ۱. طرد فراروایت، ۲. حقیقت‌متکثر، ۳. بی‌معنایی معنا، ۴. طرد هرگونه پیش‌فرض، ۵. شک‌اندیشی.

از آنجا که مفهوم پست‌مدرن نزد لیوتار بیش از آن‌که نماد عینی بیابد در زبان و ذهن قابل‌ارزیابی است و نیز از آنجا که اندیشه اگرچه محصول شرایط است، اما قابل‌تسری در زمان است و بسیاری از گونه‌های اندیشه‌گرچه به ظاهر نوین می‌نمایند، اما در تفکر اجتماعی گذشتگان دیده شده‌اند؛ لذا این مقاله به بررسی اندیشه خیام در قالب رباعیات او و مقایسه آن با اندیشه لیوتار به‌خصوص «وضعیت پست‌مدرن» او پرداخته است.

طبق یافته‌های این مقاله در بیش از ۴۰ درصد رباعیات خیام به گونه‌ای ویژگی‌های پست‌مدرنیسم از گونه لیوتاری دیده می‌شود. با احتساب تکرار ویژگی‌های پست‌مدرنیته یکصدوسه بار در هفتادودو رباعی به مضامین مشمول ویژگی‌های پنج‌گانه پست‌مدرنیسم اشاره شده است. از این بین طرد فراروایت و شک‌اندیشی، هر یک با ۲۴/۲۷ درصد از

۱. آمار کلی رباعیات مشمول این مقاله در جدول ضمیمه آمده است.

موارد، بیشترین جلوه تشابه اندیشه میان لیوتار و خیام‌اند و بعد از آن طرد هرگونه پیش‌فرض (۲۰/۳۹ درصد موارد)، بی‌معنایی معنا (۱۷/۴۸ درصد موارد) و حقیقت متکثر (۱۳/۵۹ درصد موارد) قرار دارند. در پایان به نظر می‌رسد اندیشه فیلسوفانه دانشمندی چون خیام می‌تواند در بازتولید اندیشه، تئوریزه شده و با استنتاج چارچوبی مفهومی، قابلیت تحلیل وضعیت‌های گذاری هم‌چون مدرنیسم و پست‌مدرنیسم را در خود پیروراند.

جدول ضمیمه:

شماره رباعی مذکور در جدول مبتنی بر نسخه فروغی و غنی است که به عنوان منبع موثق رباعیات خیام در این مقاله ارجاع شده است.

ردیف	عنوان ویژگی	شماره رباعی
۱	طرد فرا روایت	۴-۱۰-۱۴-۲۱-۳۲-۳۴-۴۵-۵۴-۵۸-۶۰-۶۲-۸۰-۸۲-۸۸-۸۹-۱۱۱-۱۲۲-۱۲۷-۱۳۳-۱۴۱-۱۴۷-۱۴۸-۱۶۷-۱۶۸-۱۷۶
۲	حقیقت متکثر	۱۴-۲۸-۳۴-۳۹-۵۲-۸۲-۹۵-۱۰۵-۱۱۷-۱۳۴-۱۴۱-۱۴۳-۱۶۷-۱۶۸
۴	بی‌معنایی معنا	۵-۱۰-۱۱-۲۹-۳۲-۳۵-۳۶-۳۹-۴۲-۴۵-۵۶-۶۹-۸۴-۹۳-۹۷-۱۰۲-۱۱۵-۱۱۷-۱۷۲-۱۷۴
۳	طرد هرگونه پیش‌فرض	۱۰-۱۱-۳۲-۳۹-۴۱-۴۲-۴۵-۴۸-۵۸-۵۹-۶۲-۶۴-۶۵-۷۰-۷۶-۸۲-۸۸-۸۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۶۰-۱۶۱
۵	شک‌اندیشی	۲-۲۱-۲۶-۲۸-۲۹-۳۱-۳۲-۴۲-۴۳-۷۶-۸۰-۸۵-۸۷-۸۸-۱۱۱-۱۱۷-۱۴۶-۱۴۷-۱۵۰-۱۵۵-۱۶۱-۱۶۳-۱۶۹-۱۷۲-۱۷۶

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. ترنر، جان‌تان‌اچ، (۱۳۸۱). نظریه‌های پست‌مدرنیست، ترجمه صمد عابدینی، تبریز: ستوده.
۲. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۲). تحلیل شخصیت خیام، ج ۳، تهران: کیهان.
۳. دشتی، علی، (۱۳۷۷). دمی با خیام، ج ۲. همدان: اساطیر.
۴. سیدمن، استیون، (۱۳۹۲). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، ج ۵، تهران: نی.
۵. فروغی، محمدعلی و غنی، قاسم، (۱۳۶۲). رباعیات خیام با مقدمه و حواشی، تهران: کتاب فرزانه.
۶. قره‌باغی، علی‌اصغر، (۱۳۸۰). تبارشناسی پست‌مدرنیسم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۷. کالینیکوس، آکس، (۱۳۸۲). نقد پست‌مدرنیسم، ترجمه اعظم فرهادی، مشهد: نیکا.
۸. کرایب، یان، (۱۳۸۶). نظریه‌های اجتماعی مدرن، ترجمه عباس مخبر، ج ۴، تهران: آگاه.
۹. لایون، دیوید، (۱۳۸۳). پسامدرنیته، ترجمه محسن حکیمی، ج ۲، تهران: آشیان.
۱۰. لش، اسکات، (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم، ترجمه شاپور بهیان، تهران: ققنوس.
۱۱. لیوتار، ژان فرانسوا، (۱۳۸۴). تعریف پسامدرن برای بچه‌ها، ترجمه آذین حسین‌زاده، تهران: ثالث.
۱۲. _____، (۱۳۸۷). وضعیت پست‌مدرن: گزارشی درباره دانش، ترجمه حسینعلی نودری، ج ۴، تهران: گام نو.
۱۳. میلز، آندرو و براویت، جف، (۱۳۹۰). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، ج ۳، تهران: ققنوس.
۱۴. نجومیان، امیرعلی، (۱۳۸۵). درآمدی بر پست‌مدرنیسم در ادبیات، اهواز: رسش.

ب) مقالات

۱. ابویسانی، حسین، (۱۳۹۱)، "پست‌مدرنیسم در متن ادبی کولاج"، در مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۷، سال ۴، صص ۱-۲۶.
۲. اصغری، محمد، (۱۳۸۷)، "تلاقی پراگماتیسم و پست‌مدرنیسم در فلسفه"، در فصلنامه معرفت فلسفی، شماره ۲، سال ۶، صص ۱۹۴-۱۶۵.
۳. فانی، حجت‌الله، (۱۳۸۳)، "دلالت‌های تربیتی دیدگاه پست‌مدرنیستی لیوتار و نقد آن"، در فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۹، سال ۳، صص ۸۷-۶۶.
۴. قمی، محسن، (۱۳۸۴)، "تأثیر نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین بر فلسفه لیوتار"، در فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۱۶، سال ۴، صص ۹۲-۶۱.
۵. محمدپور، احمد، (۱۳۸۷)، "ژان فرانسوا لیوتار و پیدایش علوم اجتماعی پست‌مدرن: خاستگاه نظری و مبانی پروپلماطیک"، در مجله علوم اجتماعی، شماره ۱، سال ۵، صص ۸۲-۳۹.